

اختصاص زمین به خانواده‌های دارای ۴ فرزند مهم است بنده ۴ فرزند زیر ۲۰ سال؛ ۱۲ ساله، ۹ ساله و دوقلوی ۲ و نیم‌ساله دارم. در قانون سال ۱۴۰۲ مصوب شده است که براساس بند(ح) تبصره(۱۱) ماده واحده لایحه بودجه ۱۴۰۲؛ به‌منظور حمایت از خانواده و تحقق جوانی جمعیت، وزارت راه‌وشهرسازی مکلف است در سال ۱۴۰۲ یک قطعه زمین یا واحد مسکونی به‌صورت رایگان در قالب شرایط مندرج در ماده(۴) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به خانواده‌های دارای ۴ فرزند و بیشتر زیر ۲۰ سال، اختصاص دهد. تاکنون خبری از نحوه اقدام در این خصوص نشده است. در گذشته نیز موضوع پیگیری شده که فاقد نتیجه بوده است. **شرفی از تهران**

مجوز صید صیادان جاسک پس از چندین سال صادر نشد چندین سال است که لنج‌های صیادی در اسکله‌ها، جهت دریافت مجوز پهلو گرفته‌اند. اما هیچ مجوزی برای صیادان صادر نشده است. در صورتی که در سامانه سماک جهاد کشاورزی درخواست گواهی فنی برای شناور داده‌ایم و هیچ گونه تأییدی یا پیامی از سوی سامانه موردنظر دریافت نکردیم. با وجود وعده و وعیدهای مسئولان، صیادان هرمزگانی شهرستان جاسک همچنان در انتظار مجوز صید برای لنج‌ها هستند.

موسوی از جاسک
پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۹۱۶

واکسن بدو ورود به دبستان در قم نیست

چند بار برای واکسناسیون بدو ورود به دبستان فرزندم به مرکز بهداشت نبوت واقع در قم، بلوار کشاورز جنوبی، کوجه نهم مراجعه کردم و موفق به تزریق واکسن و نشدم. دست آخر کارمندان مرکز بهداشت گفتند که واکسن نداریم و کمبود واکسن داریم. به گفته خودشان، از اول تیر باید ۱۷۰ نفر واکسنینه می شدند اما ۹ نفر واکسنینه شده‌اند، چرا در ایران به‌عنوان یکی از صادرکنندگان واکسن به دنیا، باید کمبود واکسن داشته باشیم؟

در گرمدره ۳ ساعت در روز آب داریم به مدت ۴ ماه است که ما در شهر گرمدره استان البرز، فقط روزانه ۳ ساعت آب لوله کشسی داریم و با مشکلات زیادی مواجه شده ایم. پیگیری‌های زیادی از طرف ساکنان با اداره آب و فاضلاب البرز شده که عنوان می کنند، چاه خشک شده در حال حاضر آبی در کار نیست. این پاسخ، نگرانی ساکنان را بیشتر کرده است که تکلیف چیست؟ یک مسئولی در این خصوص اطلاع رسانی کند.

باباپور از گرمدره کرج

گزارش الهه فراهانی روزنامه‌نگار

«مادرم با از تیه میلیاردی‌اش طلا خریده و همه طلاها را در گاوصندوقش مخفی کرده است.» دختر جوان وقتی این جمله را از زهرن پسر موردعلاقه‌اش شنید، نقشه سرقت به سرش زد. او با همدستی ۳ مرد مسلح به خانه پسر جوان دستبرد زد و ۳ کیلو طلا را به سرسرت برد اما یک اشتباه عجیب را از این سرقت رافش کرد.

به گزارش همشهری، اردیبهشت سال گذشته بود که پلیس در جریان دستبرد مسلحانه به خانه‌ای در پایتخت قرار گرفت. صاحبخانه می گفت: نیمه‌های شب بود و اعضای خانواده‌ام خواب بودند. داشتم تلویزیون تماشایم کردم که صدایی شنیدم، از جایم بلند شدم و همان لحظه ۳ مرد نقابدار را مقابل دیدم. آنها از طریق تراس وارد خانه‌ام شده بودند و با اسلحه شروع به تهدید من کردند. سپس دست و پایم را

با طناب بستند و مرا در اتاقی زندانی کردند. در همین هنگام اعضای دیگر خانواده‌ام (همسر و فرزندانم) از خواب بیدار شدند که مردان مسلح دست و پای آنها را هم با پارچه‌ای بستند و در اتاقی زندانی‌شان کردند. آنها با زور و تهدید رمز گاوصندوق را از ما گرفتند و بیش از ۳ کیلو طلا و جواهراتی که داخل آن بود را به سرقت بردند. مردان نقابدار پس از اجرای نقشه سرقت، از همان راهی که آمده بودند، فرار کردند و ما پس از اینکه توانستیم دست و

حوادث

دزدان مسلح که بیش از ۳ کیلو طلا را از خانه‌ای در پایتخت دزدیده بودند، دستگیر شدند

راز سرقت میلیاردی در استوری دختر جوان

پایم را باز کنیم، پلیس را خبر کردیم.

بن بست تحقیقات

با این شکایت، پرونده‌ای تشکیل شد و مأموران به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری سارقان مسلح آغاز کردند. دزدان اما خیلی حرفه‌ای عمل کرده بودند و هیچ ردی از خود به‌جا نگذاشته بودند. حتی فیلم‌های دوربین مداربسته هم نتوانست به پلیس کمک کند، چرا که دزدان پلاک موتورشان را مخدوش کرده و صورت‌شان را پوشانده بودند.

۴ ماه بعد

بیش از یک سال از ماجرای سرقت گذشته بود و هنوز ردی از سارقان مسلح به‌دست نیامده بود تا اینکه چند روز قبل اتفاق عجیبی افتاد. آن روز پسر شاکری راهی اداره پلیس شد و به مأموران گفت:



پشت پرده سرقت از خانه ما دختری به نام نسترن است. او سپس توضیح داد: یک سال قبل با نسترن آشنا شدم. اما به‌تدریج رابطه ما کمتر شد تا اینکه دیگر از او خبری نداشتم. با این حال صفحه اینستاگرام او را دنبال می کردم تا اینکه روز گذشته نسترن یک عکس سلفی از

خودش استوری کرد. او در این عکس انگشتری به‌دست داشت که برایم آشنا بود. انگشتر مادرم بود که یک سال قبل از سوی سارقان مسلح به سرقت رفته بود. با

دیدن عکس تعجب کردم. با خود گفتم شاید اشتباه کرده‌ام اما عکس را به مادرم نشان دادم و او تأیید کرد که انگشتر خودش است. حالا هم مطمئن هستم که نسترن پشت پرده سرقت طلای مادرم است. چرا که بعد از ماجرای سرقت، به‌تدریج از من فاصله گرفت و رابطه‌اش را با من کم کرد.

دستگیری دزدان

گفته‌های پسر جوان کافی بود تا دستور بازداشت نسترن صادر شود. او به اداره پلیس منتقل شد و هرچند سعی داشت خودش را بیگناه نشان بدهد اما در نهایت اسرار سرقت را فاش کرد. وی گفت با همدستی پسر عمه‌اش نقشه سرقت را کشیده و برای اجرای این سناریو، ۳ اسارق حرفه‌ای و سابقه‌دار را اجیر کرده بودند. با اعتراف این دختر، اعضای دیگر گروه نیز دستگیر شدند و به پرونده دستگیری پیوستند. برای تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند.

به خاطر پول گفت‌وگو

فقط به خاطر پول، چنین نقشه‌ای کشیدی؟
من همیشه حسرت یک زندگی خوب داشتم و دلم می خواست برای خودم بهترین‌ها را بخرم؛ مثلاً بهترین گوشی، گران‌قیمت ترنس لباس‌ها، لاکچری ترین سفرها و…



به آنچه می‌خواستی رسیدی؟
راستش تعدادمان زیاد شد و من فقط توانستم یک گوشی گران‌قیمت بخرم. مابقی طلاها را هم نگه داشتم و خودم استفاده می کردم که همین کار باعث شد لو بروم.

فکرش را نمی‌کردی دستگیر شوی؟
اصلاً چون رفته رفته رابطه‌ام را با پسر جوان کمتر کردم. بیش از یک سال هم از ماجرا گذشته و دیگر خیالم راحت شده بود که پلیس دستگیرمان نمی‌کند. از طرفی احمد پسر عمه‌ام به من اطمینان داده بود که هرگز لو نمی‌رویم چون سسارقانی که استخدام کرده بود، حرفه‌ای بودند. اما من اشتباه کردم. در واقع هرگز فکرش را نمی‌کردم که یک استوری دست مرا بعد از یک‌سال روی می‌کند و اینچنین ابرویم می‌رود.

برگردیم به یک سال قبل، چه اتفاقی افتاد که فکر سرقت به‌سرت زد؟
چند ماهی می‌شد که با پسر شاکری به نام مسعود آشنا شده بودم. با او به مهمانی می‌رفتم که در یکی از دورهمی‌ها، مسعود تعریف کرد که به مادرش از تیه میلیاردی رسیده و با آن بیش از ۳ کیلو طلا خریده و در خانه نگهداری می‌کند. این جمله را که شنیدم، وسوسه سرقت به‌چانم افتاد. برای پسر عمه‌ام پیامکی فرستادم و از او خواستم تا با هم طلای مادرس مسعود را سرقت کنیم. او هم قبول کرد و نقشه سرقت را کشیدم. یک روز به مسعود گفتم که می‌خواهم با خواهرش آشنا شوم. به همین بهانه به خانه‌شان رفتم و بهانه‌ای از آنجا فیلمبرداری کردم تا موقعیت خانه را به پسر عمه‌ام نشان بدهم. مابقی نقشه پای احمد بود و او بود که ۳ اسارق حرفه‌ای اجیر کرد.

۲ مرد شرور به اتهام محاربه و قتل در ملأعام مجازات شدند

طناب دار بر گردن قاتلان مأمور پلیس

۲۰ ماه پس از شرارت ۲ مرد شرور در فولادشهر اصفهان که در جریان آن یکی از مأموران

پلیس به شهادت رسیده و یکی از سربازان وظیفه دچار قطع عضو شده بود، ۲ عامل این درگیری در ملأعام اعدام شدند و پرونده شرارت‌های‌شان بسته شد.

به گزارش همشهری، ساعت ۲ بهامداد ۱۳۲۷بان ماه‌سال ۱۴۰۰ ازنی در تماس با پلیس از

حمله ۲ شرور مسلح به خانه‌شان در منطقه مسکن مهر فولادشهر اصفهان خبر داد. او گفت: آنها به زور وارد خانه شده‌اند و با وجود تخریب وسایل خانه، همچنان در آنجا حضور دارند و آنها و ساکنان ساختمان را تهدید می‌کنند. دقایق کوتاهی از این تماس تلفنی گذشته بود که گروهی از مأموران برای بررسی ماجرا راهی محل حادثه شدند. با وجود اینکه مأموران پلیس تلاش داشتند تا اوضاع را کنترل کرده و آرامش را به ساختمان بازگردانند، اما ۲ شرور که مسلح بودند، با مأموران درگیر شدند. در این میان آنها یکی از مأموران پلیس را خلع سلاح کردند و در ادامه به‌سوی خودروی پلیس تیراندازی کردند. در این حادثه استوار یکم، احسان نصیری و یکی از سربازان وظیفه هدف اصابت گلوله قرار گرفتند که پس از انتقال آنها به بیمارستان استوار نصیری به شهادت رسید و سرباز وظیفه نیز دچار قطع دست شد. در ادامه این درگیری با حضور شمار دیگری از مأموران پلیس ۲ مرد شرور به‌نام‌های محمد ۳۸ ساله و صادق ۲۵ ساله دستگیر شدند.

بررسی پرونده ۲ متهم نشان می‌داد که هر ۲ نفر دارای سوابق متعدد کیفری در زمینه سرقت، شرارت و نزاع و درگیری هستند. آنها در همان بررسی‌های اولیه به شهادت مأمور پلیس و ایجاد رعب و وحشت برای شهروندان اعتراف کردند و در ادامه، پرونده‌شان در ۲ پخش به دادگاه انقلاب اسلامی و دادگاه کیفری یک استان اصفهان ارسال شد.

در بخش اول، متهمان به اتهام محاربه از طریق تیراندازی، ایجاد رعب و وحشت برای مردم و درگیری با مأموران پلیس در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان محاکمه شدند و قضات دادگاه هر ۲ نفر را محارب تشخیص داده و به اعدام محکوم شدند.

در بخش دیگری از پرونده متهمان به اتهام

همه‌شهری

کوتاه از حادثه

مرد آهنگر به ۳ بیمار زندگی بخشید



اعضای بدن مرد آهنگر که در جریان یک حادثه عجیب دچار مرگ مغزی شده بود، به چند بیمار نیازمند زندگی بخشید. به گزارش همشهری، روز جمعه بیست و سوم تیر مأموران کلانتری ۱۰۹ بهارستان به قاضی وحید ناصری، بازپرس جنایی تهران خبر دادند که مردی ۴۸ ساله به نام یوسف در حادثه‌ای عجیب جان باخته است. به دستور بازپرس جنایی تهران تحقیقات درباره مرگ این مرد شروع شد و در بررسی‌ها مشخص شد که او آهنگر بوده و در یک کارگاه آهن فروشی در شهرستان نظرآباد استان البرز کار می‌کرده است. اما هنگام کار و در حادثه‌ای درناک سرش با آهن برخورد کرده و شدت این ضربه به حدی بوده که این مرد دچار مرگ مغزی شده است. پس از این حادثه، ابتدا به بیمارستانی در کرج منتقل شده و از آنجا به بیمارستان سینا تهران انتقال یافته بود که به‌رغم تلاش پزشکان دچار مرگ‌مغزی شده و اعضای خانواده‌اش موافقت کرده بودند که اعضای بدن وی به بیماران نیازمند اهدا شود.

یکی از بستگان این مرد درباره جزئیات حادثه به همشهری گفت: یوسف(مرجان باخته) متاهل بود و ۴ فرزند دارد. دختر جوانش عروس شده و پسر نوجوانش در خانه به همراه پدر و مادرش زندگی می‌کرد که این حادثه رخ داد.

وی ادامه داد: یوسف مرد زحمتکشی بود و در یک کارگاه آهن‌فروشی در شهرستان نظرآباد کار می‌کرد. او ۲۰ سالگی می‌شد که آهنگر بود و در آن کارگاه مشغول به کار بود که روز حادثه اتفاق دردناکی رخ داد و به قیمت جانش تمام شد. آن روز یوسف به‌گفته همکارانش، در محوطه کارگاه مشغول کار بود و همزمان جرتقیل بار جابه‌جا می‌کرد که ناگهان برای سیم‌جرتقیل مشکلی پیش آمد و آهن به یوسف برخورد کرد. این اتفاق موجب شد تا یوسف تعادلش را از دست بدهد و روی آهن‌های داخل کارگاه سقوط کند و بر اثر برخورد سرش با آهن از هوش برود. آن روز پزشکان اعلام کردند که او دچار مرگ مغزی شده است. منتقل شد و در ادامه به بیمارستانی در کرج، چند روزی در آنجا بستری بود اما شدت ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود موجب شد تا سطح هوشیاری وی پایین بیاید تا اینکه عصر پنجشنبه ۲۲ تیر پزشکان اعلام کردند که او در ۴۹ درصد مغزی شده است. وی ادامه داد: از آنجایی که یوسف فرد خیری بود و همیشه در کارهای خیر شرکت می‌کرد، خانواده‌اش تصمیم گرفتند اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنند، چرا که او همیشه در کمک به نیازمندان پیشقدم می‌شد. پس از موافقت آنها، پیکر یوسف به بیمارستان سینا منتقل شد و در آنجا پزشکان اعلام کردند کلیه‌ها و کبد او به بیماران نیازمند اهدا شده است.

مرگ قاتل فراری در درگیری با پلیس

مرد مسلحی که از یک‌ماه قبل به اتهام قتل ۲ نفر تحت تعقیب قرار داشت، وقتی در محاصره مأموران قرار گرفت با آنها درگیر شد اما در نهایت با گلوله پلیس از پا درآمد.

به گزارش همشهری، این قاتل فراری که ۴۴ سال داشت روز ۲۳ خردادماه اسامال در یکی از مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه به‌دنبال اختلاف با اعضای خانواده‌ای که در همان روستا زندگی می‌کردند با آنها درگیر شد. او با استفاده از سلاح شکاری به‌سوی آنها تیراندازی کرد و در این حادثه ۲ مرد ۲۵ و ۴۵ ساله به قتل رسیده و ۲ نفر دیگر نیز مجروح شدند. عامل جنایت که فردی سابقه‌دار بود، بعد از جنایت فرار کرد و از همان زمان تلاش‌ها برای دستگیری‌اش آغاز شد. به‌روشنی معلوم نبود که او به کجا گریخته است، اما با ادامه بررسی‌ها مأموران مخفیگاه او را در خانه‌باهی واقع در یکی از مناطق روستایی استان کردستان شناسایی کردند. این خانه‌باغ در دامنه کوه‌ها داشت و شواهد نشان می‌داد متهم تحت تعقیب به‌طور مخفیانه در آنجا زندگی می‌کند. در این حال ۳ تیم از مأموران پلیس آگاهی با همراهی تیم‌هایی از مأموران انتظامی استان کردستان مخفیگاه متهم را محاصره کردند. پیش از آغاز عملیات متهم از حضور مأموران در آنجا باخبر شد و شروع به تیراندازی کرد. این درگیری مسلحانه حدود ۱۰ دقیقه ادامه پیدا کرد تا اینکه با هدف قرار دادن او سوی مأموران تیراندازی به پایان رسید. مرد مسلح به شدت مجروح شده بود و به مرکز درمانی منتقل شد، اما در نهایت جانش را از دست داد.

سرهنگ علی کریمی، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه در این‌باره گفت: در مخفیگاه متهم یک قبضه سلاح گرم و ۱۵ فشنگ کشف شد و با تشکیل پرونده قضایی بررسی‌ها در این‌باره ادامه دارد.

تیراندازی خونین عروسی را عزا کرد

رسم غلظ تیراندازی در عروسی‌ها همچنان قربانی می‌گیرد و در تازه‌ترین مورد، در جشن عروسی که پنجشنبه شب در باغملک برگزار شد تیراندازی باعث مرگ پسر ی نوجوان و جراحت ۵ نفر دیگر شد.

به گزارش همشهری، شامگاه پنجشنبه ۲۲ تیر ماه به مأموران پلیس شهرستان باغملک واقع در استان خوزستان خبر رسید بار دیگر تیراندازی در مراسم عروسی حادثه‌ساز شده و چند نفر هدف گلوله قرار گرفته‌اند. وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند معلوم شد که چند نفر طبق رسمی قدیمی و غلط منطقه و با هدف شادی شروع به تیراندازی هوایی در جشن عروسی کرده‌اند اما در این بین غیرنفر هدف اصابت گلوله قرار گرفته و یکی از آنها که نوجوانی ۱۰ ساله بود جان خود را از دست داده است. با آغاز تحقیقات معلوم شد که در این مراسم غیرنفر اقدام به تیراندازی کرده‌اند که همگی دستگیر و از آنها اقبضه اسلحه کلانشینک و تعدادی فشنگ جنگی کشف شد.

بهنام انصاری، دادستان عمومی و انقلاب باغملک با اعلام جزئیات این حادثه تلخ گفت: از میان ۵ مجروح حال ۲ نفر وخیم گزارش شده است. انصاری گفت: مجازات استفاده از سلاح غیرمجاز ۲ تا ۵ سال حبس است که با توجه به تعدد جرم از جمله اخلاق در نظم عمومی، از سوی این دادسرا شد مجازات برای متهمان این پرونده در خواست خواهد شد.